

کفت ای حسن تو هنوز ظاهر بینی سعی کن تا ترا چشم
کشاده شود بر امام حسن بدست وی توبه کرد و هر کس که

دیدي از خود بهتر دانستی تا کار بجای رسید که از افضل
تا بعین کشت تا بدانی که نیت نیکو چه اثرها دارد بر این

در قصه یوسف علیه السلام

که درین قصه بسی حکم و اسرار هست و حویر شانه
درج قهوده و نیکهای این اولوالالباب دریا بند و شد

طریق خود سازند **و بدانکه** از اول این قصه تا آخر
پنجاهی بدکردار است می فرماید و چند چیز دیگر

معلوم میشود **اول** آنکه حسن و حسین علیهما السلام

و نشاید که دوستی غیر خدای درین جای دهند خاصه

بر اینها لاجرم یعقوب پیغمبر را صلوات الله و سلامه

هشتاد سال فراق یوسف مبتلا کرد دیگر نشاید که نظر

بخود کنند که یوسف صلوات الله و سلامه علیه در آینه

نکریست و صوره خودش در نظر خوش آمد و خود را یافت

قیمتی

قیمتی یافت بر او را بهفده درم قبل بفروختند

دیگر آنکه درویش نگویند **دیگر** آنکه عصب قویزند

و نهی بر سر کنند تا بد و لغت را رسند **دیگر** آنکه چون

چاه و منصب یابند برز و بدستان رحم کنند و اگر چه که

با و بد کوه بر روی وی ننهند بلکه مکافه بکنند و الله اعلم

بشیم الله الرحمن الرحیم

الها تکرر آیات الکتاب **بدانکه** این سوره

مکی است و صد و یازده آیه است سیب نزول این سوره

آن بود که علماء اهل کتاب از حضرت رساله پناه **محرم**

صلوات الله سوال کردند که سب چه بود که بنی اسرائیل

از شام بصر افتادند و نهود بسبب یوسف علیه السلام

بود بر گفتند اگر راست میگوی قصه او تمام ما را پناه

کن بر حق تعالی این سوره با برکت بر پیغمبر ما **محرم رسول الله**

صلوات الله فرو فرستاد **دیگر** نیز گفته اند که صحابه

بگفتند یا رسول الله در میان قریش قصه رسم و اسفندیار

صفحه ده و چهارم